

ضربه‌های روحی

* محرومیت‌ها

* دوران حساس

* تنبیه بدنی

* * *

* محرومیت‌ها

اوقات هزاران کودک دیگر از خانه محقر خود بیرون آمده ، و راه مدرسه را در پیش گرفت . زمستان سردی بود ، برف سنگینی همه جا را پوشانیده بود ، او با کفشهای پاره - پاره اش سعی می کرد ، راهی را اشکاب کند که کمتر رطوبت پاهایش را سدمه زند ، لذا از روی برفهای آب نشده عبور می کرد ، تنگت کپنه اش را بالا کشیده ، یکی از دستهای لاغر و رنگ پریده اش را در جیب نهان کرده ، با دست دیگرش لوازم مدرسه را نگاه داشته بود همیشه از وصله ناهنر فلک شلوارش رنج میبرد تا آن زمان پالتو را فقط به تن بچه‌های نروتمند دیده بود شاگردان مدرسه هم با او کمتر می خوشیدند گوئی او را لایق دوستی و معاشرت نمیدانستند فقط دوست او تا گردن تنی بود که بتازگی پدرسه آمده بود ، و سر و شمش بمراتب از او رقت‌بارتر بود ، کتنباش در شرف خشک شدن بود ، که فکر بازگشت و خیس شدن پاهایش دوباره او را رنج‌سپید آرزو می کرد ، اینکاش او هم مانند بیشتر محصلین از بالا پوش‌های گرم و کفش‌های نو استفاده می کرد ، یا لاطل دیگران این همه ناز و کرشمه با او نمی‌روختند همیشه در گوشه دلش با خود می گفت خدایا چرا من در خانواده فقیری بدنیا آمده‌ام ؟

شبهای وقتی سه بخواب می‌رفتند ، دیدگان او ساعتها بیدار مانده ، از عقده‌های حقارت رنج میبرد .

* * *

هر کسی وقتی خاطرات دوران گذشته خود را بررسی می کند ، پس از تجزیه و تحلیل

درس باید که برخی از خاطرات او، جزء شخصیت او محسوب نشده، تعادل روحی و جسمی او، او را در گون میسازد، در این گونه مواقع، مهارت در روانی باشد که هر چه تمامی آغاز می شود و این جدال از آغاز شروع می گردد که برخی از خصوصیات منفی ما را بطور نا آگاه از مخفی سما ذهن و روح خارج شده خود را نمایان ساخته شخصیت ما را متزلزل می سازند، هر قدر می شود که این افکار مسموم کنند، در درهای حفر مغزی پنهان گردد، ولی با همه اینها از جنس گناه سیر نا آگاه خارج شده بر سطح ضمیر آگاه نمایان می گردد.

برخی از آشفته گی های روحی، معلول این می باشد پنهانی است، چنین شخصی بیك نوع ضعف اعصاب شدید گرفتار می شود و این ضعف اعصاب ولودا کت هاب و هیجانان روحی است و اثر آن بنویان منگی العمل در جسمش ظاهر می گردد و در صورت شبت در برین جنون و دیوانگی قرار می گیرد.

دوران حساس

دوران کودکی مرحله حساسی است، کوچکترین سهل انگاری یا سر نوشت یک انسان، بلکه انسان هائی بر آری می کند، چه بدون تردید مسامحه در سر نوشت یک کودک را روزی نامه بزرگی به نسلهای آینده است.

برخی از ساده لوحان گمان می کنند که کودک از نظر ادراک تا توان استوارانی همین توهم غلط، اصولاً شخصیتی از نظر روحی و فکری برای کودک قائل نیستند و از اینها او را با نظر حقارت آمیز نگاه کرده فکر و سستش را چیزی نمی خریدند لافل از اینکه این نوع رفتار اساس شخصیت او را متزلزل میسازد، و کودک این تغییر را با پند گرفته رودی این عقده تراکم پیدا کرده، بصورت جادی بروز خواهد کرد.



تنبیه بدنی

در برخی از خانواده ها، یکی از علل پیدایش عقده حقارت رفتار خشن و بی رحمانه است که در یاد بعضی از کودکان اعمال می گردد. تنبیه های بدنی مغز و روح کودک را تحت تأثیر قرار می دهد؛ اطفال مسمومی که گرفتار چنین مسائلی باشند، ممکن است در ردیف خفتر فاکتورین دشمنان جامعه قرار بگیرند، خاص طوری که عشق و محبت شالوده تشکیل اجتماع در موجب تمرکز و تجمع افراد آدمی است، لذت و توشه می هم عامل تفرقه جفا می است (۱)

(۱) عقده حقارت (ص ۱۶)

کودکی که احساس کند در دامان خانه والدین جای حر و نفرت و بی میلی برای او وجود ندارد، تصور نمی کند که تمام مردم دیگر هم جز نفرت و از چار رفتار دیگری نسبت باو داشته باشند، چنین آدمی طغیان می کند انتقامی کشد، در قشش جای برای محبت و عشق و صفای وجود ندارد و در صف کینه تو ذرتین دشمنان چنان جامعه در می آید آنچه هر نوع انحرافی که در کودکی، سبب طفل شود، مسلماً موجب بروز عکس العمل خاصی؛ از طرف او خواهد بود.

پدران و مادران باید توجه داشته باشند که کوچکترین اشتباهی در تعلیم و تربیت کودک که زبان جیران ناپذیری را بوجود می آورد، برخی از اولیاء در اثر بی توجهی نام و یا فامیل های سبکی بر اعضا فرزندان خود انتخاب می کنند، غافل از آنکه همین مسامحه سبب میگردد که کودک در دوران کودکی و بزرگی دچار یک نوع عقده حقارت بوده همیشه از نام و فامیل خود رنج برده دچار تحقیر می گردد، در برخی از روایاتهای اسلامی توصیه شده است که پدران سعی کنند دو انتخاب نام و فامیل و یا کنیه فرزندان خود بهترین آنها را برگزینند.

در فقه الرضا چنین وارد شده است **بما احسن الاسماء و کنه باحسن الکنی** یعنی نوزاد خود را به بهترین اسمها بنام و برترین کنیه را برای او انتخاب کن.

علی علیه السلام در نهج البلاغه یکی از حقوقی که برای اولیاء شمرده است که باید در باره فرزندان خود رعایت کنند نامگذاری است میفرماید: **وان یحسن اسمه و اذیه** یعنی نام نیکو بر روی گذاشته در تربیت او کوشش فراوان بپذول دارد.

گاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی
رتال جامع علوم انسانی

کودکان خود را چگونه تربیت کنیم؟
« قال بعضهم شکوت الی ابی الحسن (ع) ابنا قتل :
لا تضر به و اهجرو لا تطل »
مردی خدمت امام کاظم (علیه السلام) آمد و از فرزند خود شکایت کرد حضرت فرمود: فرزندت را از تو برای ادب کردنش از او قهر کن ولی سعی کن که عدت قهر طولانی نباشد.